



**Actions and Challenges of Iran's Political Elites in Taking Advantage of American Knowledge in the oil Industry (from 1322 to 1344)**

Fereshte Jahani <sup>1</sup> Mohammad Amir Ahmadzadeh <sup>2</sup>

1. Corresponding Author, Sessional lecturer of Department of History Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: fereshtejahani65@gmail.com

2. Associate Professor of the History Department of the Humanities and Cultural Studies Research Institute, Tehran, Iran. Email: m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

**Article Info**

**Abstract**

**Article Type:**  
Research Article

**Article History:**

**Received:**  
28, June, 2023

**In Revised Form:**  
17, August, 2023

**Accepted:**  
30, August, 2023

**Published Online:**  
22, September, 2023

One of the most important challenges and debates raised in the works and documents of Iran's post-constitutional elites has been the discussion about American economic developments, especially in oil industry. After the initial discovery of oil in Iran during the period of Muzafar al-Din Shah Qajar, we witnessed the emergence of Political elites who gradually wanted to rely on the American model (as a third force) if progress in this field and to use these methods and approaches for the development of Iran. This present article is written with a historical approach and based on the interpretation of press texts and unpublished documents, tries to clarify how progressives and media groups managed to convince government officials to take advantage of in the oil industry as a model. Documents and debates show that Iranians, following the constitutional revolution the writings of the modernists became aware of the prosperity and flourishing of American oil industry and its impact of the country's economy, this awareness, in turn caused the scientific and political elites to realise more than ever the ignorance of Iranians in the field of oil industry and the chaotic situation of management their underground resources. In this way, while adopting comparative approaches about achievements of America and Iran began criticized and writing critical texts to influence the Iranian politicians and statesmen. The statesmen of Iran were affected by the atmosphere of modernist writings and sought to obtain information and understand the importance of this issue, so that with the help of their diplomats in America, they took practical steps to emulate and bring Americans achievements to Iran.

**Keywords:** Constitutional period, oil industry, political elites, America, Iran.

Cite this The Author(s): Jahani, F., Ahmadzadeh, M. A. (2023). Actions and Challenges of Iran's Political Elites in Taking Advantage of American Knowledge in the oil Industry (from 1322 to 1344). Historical Sciences Studies Vol.15, No. 2, Serial No.34 - Summer, (1-20)- DOI:10.22059/JHSS.2023.361498.473644.





## اقدامات و چالش‌های نخبگان سیاسی ایران در بهره‌گیری از دانش آمریکایی‌ها در صنعت نفت (از ۱۳۲۲ تا ۱۳۴۴ قمری)

فرشته جهانی<sup>۱</sup>؛ محمدمیر احمدزاده<sup>۲</sup>

ferershtejahani65@gmail.com

m.ahmadzadeh@ihcs.ac.ir

۱. نویسنده مسئول، استاد مدعو گروه تاریخ دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه:

۲. دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. رایانامه:

### اطلاعات مقاله

### چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و مباحث مطروحه در آثار و اسناد نخبگان سیاسی پسامشروطه ایران، بحث از تحولات اقتصادی آمریکا بویژه صنعت نفت بوده است. پس از اکتشاف اولیه نفت در ایران در دوره مظفردین شاه قاجار، شاهد ظهور و بروز نخبگان سیاسی هستیم که بتدریج تمایل داشتند در این عرصه به الگوی پیشرفت آمریکا (به مثابه نیروی سوم) اتکا کنند و از این روش و راهکارها برای ترقی ایران بهره بگیرند. نوشتار حاضر با رویکرد تحلیل تاریخی و بر اساس تفسیر متون مطبوعاتی و اسناد منتشر نشده در پی آن است تا روشن سازد چگونه ترقی‌خواهان و اصحاب رسانه توانستند مقامات دولتی را متقاعد کنند که از آمریکا در صنعت نفت الگوبرداری کنند؟ دستاورد بحث نشان می‌دهد که ایرانیان بعد از انقلاب مشروطه و به دنبال نوشته‌های متجددین با شکوفایی صنعت نفت آمریکا و تأثیر آن بر اقتصاد این کشور آگاه شدند که این سنخ از آگاهی‌ها سبب شد تا نخبگان علمی و سیاسی بیش از پیش به ناآگاهی فنی ایرانیان در حوزه صنعت نفت و وضعیت نابسامان مدیریتی منابع زیرزمینی خود پی ببرند. بدین ترتیب، ضمن کسب رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی درباره دستاورد آمریکا و ایران از حوزه نفت، به انتقاد و نگارش متون انتقادی برای اثرگذاری بر اذهان دولتمردان پرداختند. دولتمردان ایران نیز متأثر از فضای نوشتارهای متجددین و به دنبال اخذ آگاهی‌ها و درک اهمیت این مسئله بر آن شدند تا به کمک دیپلمات‌های خود در آمریکا گام‌های عملی برای الگوبرداری و ورود دستاوردهای آمریکا به ایران بردارند که در این مسیر با چالش‌های متعدد عوامل خارجی مواجه شدند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۴/۰۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۰۶/۳۱

واژه‌های کلیدی: دوره مشروطه، صنعت نفت، نخبگان سیاسی، آمریکا، ایران.

استاد: جهانی، فرشته؛ احمدزاده، محمد امیر؛ (۱۴۰۲). اقدامات و چالش‌های نخبگان سیاسی ایران در بهره‌گیری از دانش آمریکایی‌ها در صنعت نفت (از ۱۳۲۲ تا ۱۳۴۴ قمری): پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۱۵، شماره ۲، تابستان، شماره پیاپی ۳۴- (۱-۲۰).  
DOI:10.22059/JHSS.2023.361498.473644.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران



## ۱. مقدمه

یکی از اثرگذارترین موضوعاتی که اندیشمندان در راستای اندیشه ترقی در دوره پیشامشروطه و پسامشروطه برای اثرگذاری اجتماعی-سیاسی از آن بهره می‌بردند طرح اخبار و داده‌ها در باب پیشرفت ممالک مختلف بوده است تا بدین ترتیب، مخاطبان خود را از یک‌سو با تحولات و ترقیات جهان جدید آشنا سازند و از سوی دیگر، با طرح یک نگاه مقایسه‌ای از وضعیت عقب‌مانده وطن مألوف خود به مخاطبان هشدار دهند که ایران در وضعیت نامناسبی قرار دارد و ضرورت آن است تا همگان در جهت تغییر اوضاع بکوشند. در این میان، بهره‌گیری از کشورهایی که در سیاست خارجی ایران، نیروی سوم تلقی می‌شدند می‌توانست به آرامی اما در سطحی محدود جهت اقتباس ترقیات مدرن از ممالک دیگر، مورد استفاده قرار گیرند زیرا دولتین روس و انگلیس هر گاه تهدیدی را در خصوص منافع خود در ایران احساس می‌کردند هر پروژه اصلاحی و اقتباسی جدیدی را خاتمه می‌دادند. در اخبار و اطلاعات وارده به ایران، طرح بحث از ثروت آمریکا باعث شده بود تا این کشور پس از انقلاب مشروطه برای ایرانیان امری شناخته شده باشد. به همین دلیل در این دوره نویسندگان و نخبگان علمی به تجزیه و تحلیل دلایل این حجم از پیشرفت برای کشوری که تا یک‌صد سال قبل ممالک و ایالات آن جزو متصرفات انگلیس بود، می‌پرداختند. آنان در شرح منشأ این ثروت و رفاه دلایل گوناگونی همچون وجود علم و دانش، توجه به نظام سیاسی، رفتار اجتماعی مردم این کشور و مهم‌تر از همه نظام اقتصادی و مدیریت تحسین‌برانگیز مقامات آمریکایی در این حوزه را برشمردند و در واقع با نگاهی به وضعیت نابسامان اقتصادی ایران چگونگی توسعه آمریکا را منعکس می‌کردند. نخبگان و اهل مطبوعات ایران در این راستا ابتدا به انتقاد از مقامات دولتی ایران به دلیل عدم توجه به بهره‌برداری از منابع زیرزمینی پرداختند و سپس راهکارهایی را برای حل این موضوع پیشنهاد می‌دادند؛ از جمله این راهکارها الگوبرداری از آمریکا و توسعه مناسبات تجاری با این کشور بود زیرا در آن برهه زمانی آمریکا می‌توانست مطابق نیازهای ایران باشد؛ از یک طرف این کشور پیرو دکتربین مونروئه بود و مطامع استعماری نداشت و از طرف دیگر از توانایی فنی، مالی و شرکت‌های گسترده نفتی برخوردار بود. علی‌رغم تلاش‌های متجددین و نخبگان سیاسی در این مسیر چالش‌هایی به وجود آمد. عوامل گوناگونی در شکست قراردادهای نفتی ایران و آمریکا تأثیرگذار بودند در این راستا پژوهش‌های زیادی نوشته شده و پرداختن به این عوامل، مسئله نوشتار حاضر نیست اما به برخی از مباحث در خصوص دست‌های پشت پرده انگلیس که تاکنون بدان‌ها اشاره‌ای نشده است، اشاره خواهیم کرد.

در بررسی پیشینه پژوهش و نیز با بررسی مقالات و پژوهش‌های گوناگون در خصوص صنعت نفت آمریکا در آیین ایرانیان عصر مشروطه، پژوهشی که به صورت مفصل و اختصاصی

نخستین مواجهه ایرانیان بویژه متفکران با صنعت نفت آمریکا را به تصویر کشیده باشد، دیده نشد و در اغلب مقالات بحث مناسبات نفتی ایران و آمریکا به بحث ماجرای قتل «ماژور ایمبری» و قراردادهای نفتی ایران با آمریکا از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ تقلیل داده شده است.<sup>(۱)</sup> این در حالی است که سال‌ها قبل از موضوع ایمبری دگراندیشان و مصلحان ایرانی دوره قاجار به دانش و پیشرفت آمریکا در حوزه صنعت نفت پی برده بودند و با نگاهی انتقادی و رویکردی تطبیقی به مقایسه صنعت نفت آمریکا و ایران پرداخته و خواستار الگوبرداری از این کشور شدند.

بنابراین، وجه نوآورانه و اهمیت این پژوهش این است که برای نخستین بار پایه و اساس شناخت ایرانیان از صنعت نفت آمریکا و تلاش‌های دگراندیشان برای متقاعد کردن مقامات دولتی در زمینه الگوبرداری از صنعت نفت آمریکا و ضرورت ورود دانش نوین از این کشور را با استفاده از اسناد منتشرنشده به تصویر می‌کشد. افزون بر اسناد، برای نخستین بار از مقالات و گزارش‌هایی که درباره این موضوع در مطبوعات دوره مشروطه درج شده، بهره برداری شده است.

## ۲. بازتاب تحولات صنعت نفت آمریکا در نشریات ایران پیشامشروطه

اگرچه صنایع آمریکا متعدد و فراوان بودند اما روشن نیست به چه دلیل مطبوعات قاجاریه جدای از صنعت نفت (که اهمیتی محرز و غیرقابل انکار داشت)، جز اشاره‌هایی مختصر به برخی صنایع همچون اسلحه و مهمات‌سازی و خودروسازی توجه چندانی به دیگر صنایع نشان نداده‌اند! به هر روی، نفت یکی از مهم‌ترین صنایع آمریکا به شمار می‌رفت که مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. آنان تمایل داشتند برخلاف دیگر صنایع آمریکا، لاقلاً در این حوزه که بسترهای آماده‌تری دارند، ترقی نمایند. در رابطه با نخستین اطلاع ایرانیان از توسعه صنعت نفت در آمریکا به نظر می‌رسد ایرانیان در آستانه مشروطیت با قدرت آمریکا در این حوزه بیش از پیش آشنا شدند. در سال ۱۳۲۲ ق کنسول ایران در پتسبورگ گزارش می‌دهد: «اگر یک کمپانی بزرگ آمریکایی مانند استاندارد ویلز در ایران شروع به کار کردن نماید چقدر منافع برای دولت خواهد داشت؟». وی در ادامه گزارش خود پیشنهاد بستن قرارداد با کمپانی‌های نفتی آمریکا و آوردن ماشین‌های کندن چاه نفت از این کشور را می‌دهد (موجانی، ۱۳۷۵: ۱۲۵-۱۲۷). این درخواست هر چند به نتیجه‌ای نرسید اما باعث شد که چند سال بعد برخی متفکران و اهل رسانه ایران در نوشته‌های خود استفاده از دانش آمریکایی‌ها در این حوزه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. «روزنامه چهره‌نما» یکی از نخستین نشریات دوره قاجاریه بود که در ۱۳۲۴ ق در خصوص پیشینه صنعت نفت آمریکا نوشت: «این کشور پنجاه سال است (حدود سال ۱۲۷۴ ق/ ۱۸۵۸) که معادن نفت را کشف کرده است و از این منبع ارزشمند معدنی سالانه درآمدهای قابل‌توجهی به دست می‌آورد» (چهره‌نما، ۱۳۲۴ ق، س ۲، ش ۱۱:۵). چند سال بعد از این گزارش نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا گزارش‌های جامع‌تری از

این موضوع به ایران ارسال نمودند. در همین رابطه، علیقلی‌خان نبیل‌الدوله (سفیر ایران در واشنگتن) در خصوص چگونگی تشکیل کمپانی نفت آمریکا گزارش جامعی به وزارت خارجه ایران می‌نویسد. بدون شک این گزارش، آگاهی‌های فراوانی از صنعت نفت آمریکا و افراد شاخص در این حوزه را در اختیار ایرانیان دوره قاجاریه داده است. تشریح وضع کمپانی‌های آمریکایی در گزارش‌ها سفارت ایران در واشنگتن به قلم علیقلی‌خان نبیل‌الدوله آمده است، وی در این گزارش ضمن اشاره به تاریخچه صنعت نفت در آمریکا به «مستر راکفلر» که سهام بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی آمریکا را در اختیار داشت، اشاره می‌کند (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱: ۳۹۲-۴۰۰؛ موجانی، ۱۳۷۵: ۲۵۵). بدین ترتیب می‌توان گفت که بسیاری از ایرانیان در سال‌های نخست پیروزی انقلاب مشروطه به خوبی از تاریخچه صنعت نفت آمریکا و قدرت آن در ترقی اقتصاد این کشور مطلع بودند. این گزارش نمونه‌ای از گزارش‌های بسیاری است که در خصوص نفت آمریکا، کمپانی‌های نفتی و شخصیت‌هایی مانند راکفلر وجود دارد و نشان می‌دهد در دوران مشروطه لااقل برخی از دولتمردان قاجاریه شناخت دقیقی از صنعت نفت در آمریکا داشتند.

علاوه بر نخبگان سیاسی، نویسندگان مجلات نیز به موضوع کشف نفت در آمریکا توجه داشتند؛ برای نمونه بر اساس یکی از مطالب مجله بهار، نخستین معدن نفت در ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۴ ق، توسط «کلنل دریک» در پنسیلوانیا از عمق ۴۰۰ تا ۵۰۰ ذرعی زمین با تلمبه استخراج شد. لوله نفت پنسیلوانیا با هزار و ۳۰۰ فرسخ طول، محتویات خود را در ۱۶ هزار مخزن تخلیه می‌کند که این مخازن گنجایش ۱۶ کرور (هشت میلیون) ذرع مکعب نفت را دارا است (بهار، ۱۳۴۰ ق، س ۲، ش ۹، ۸: ۴۴۵، ۴۴۰) طبیعتاً شکوفایی صنعت نفت آمریکا و درآمدهای چشمگیر این کشور از استخراج نفت یکی از دلایل توجه روشنفکران به اقتصاد این کشور نویافته بود.

بحث از نفت آمریکا در مطبوعات و گزارش‌های این دوره کاملاً با راکفلر عجین بوده و وی به عنوان شخصی تأثیرگذار در توسعه صنعت نفت آمریکا مورد توجه نویسندگان ایرانی بود. متفکران این دوره از او با عنوان انسانی نیکوکار و معروف‌ترین خیر آمریکایی یاد می‌کنند که تا ۱۳۲۵ ق، ۱۰۶ میلیون دلار به معارف این کشور کمک کرده است (حکمت، ۱۳۲۶ ق، ش ۶۰۴: ۱۲). علیقلی‌خان تلاش زیادی برای جذب کمک‌های راکفلر به ایران نمود وی در یکی از گزارش‌های خود می‌نویسد: «جدسن» رئیس مدرسه‌ای که راکفلر ساخته است، قرار است برای کمک به قحطی‌زدگان به ایران بیاید (استادوخ، ۱۳۳۷ ق، ک ۱۰، پ ۴: ۶). وی هشدار می‌دهد که اولیای امور بایستی متوجه اهمیت حضور جدسن در ایران باشند (استادوخ، ۱۳۳۷ ق، ک ۱۰، پ ۴: ۲۴، ۲۳) در حقیقت علیقلی‌خان امیدوار بود به‌واسطه عملکرد حساب شده دولت ایران و بازتاب آن در نوشته‌های جدسن، راکفلر تحت تأثیر قرار گیرد و مساعدت‌های مالی‌اش را شامل حال ایران نیز نماید.

مجله بهار از راکفلر با عنوان «پادشاه نفت» و «ثروتمندترین مرد جهان» یاد می‌کند و می‌نویسد: «راکفلر، کمپانی استاندارد اویل با سرمایه ۲۰۰ هزار لیره به وجود آورد. این کمپانی زمام نفت سراسر آمریکا را به دست گرفت و راکفلر به پادشاه نفت معروف شد» (بهار، ۱۳۴۰ ق، س ۲، ش ۹، ۸: ۴۴۵، ۴۴۰). در واقع، در این دوره نویسندگان و نخبگان سیاسی تنها به توصیف و چگونگی تأسیس صنعت نفت آمریکا پرداختند بلکه با نگاهی انتقادی این موضوع را به تصویر می‌کشیدند و در واقع یکی از مهم‌ترین اهداف آنها از بازتاب چنین مطالبی ارائه خواسته خود به مقامات دولتی برای توجه به این مقوله پراهمیت در اقتصاد کشور بود.

### ۳. مقایسه تطبیقی صنعت نفت آمریکا و ایران در آثار متفکران پیشامشروطه

یکی از بزرگ‌ترین انتقاداتی که علیه کارکرد مقامات دولتی در قلم متجددین و اهل رسانه در ایران دیده می‌شد، عدم توجه به بهره‌برداری از منابع معدنی و زیرزمینی بود. این نگاه انتقادی در حالی وجود داشت که بسیاری از ترقی‌خواهان بر این باور بودند که بهره‌برداری از منابع معدنی و وجود کارخانه‌های صنعتی از جمله دلایل ترقی و پیشرفت ممالک متمدنه بویژه آمریکا بوده است و عدم وجود آنها در ایران منشأ فلاکت‌ها و بدبختی‌ها بسیار است. برای نمونه باید به انتقاد صریح طالبوف اشاره کرد وی می‌نویسد: «ایران با وجود منابع زیرزمینی بسیار، هنوز هیچ اقدامی در این خصوص انجام نداده و معادن نفتش دست نخورده باقی مانده است و کوچه‌ها و خانه‌های آن با مواد نفتی روسی و آمریکایی روشن می‌شود» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۲۰۸). روزنامه مجلس نیز از نبود کارخانه و بی‌توجهی به معادن و منابع زیرزمینی در ایران انتقاد کرده و می‌نویسد: «در ممالک متمدن کارخانه آهن‌سازی، تفنگ‌سازی، فشنگ‌ریزی و هزار نوع کارخانه‌های دیگر تأسیس شده اما در ایران کارخانه گداسازی، مفلس‌سازی، تریاک‌سازی، احمق‌سازی، فتنه‌سازی، شارلاتان‌سازی و غیره و غیره در کمال رونق و جلال برقرار است و وزراء در مسئله فابریک رشوه‌خواری و تعارف گرفتن ید طولایی دارند» (مجلس، ۱۳۲۷ ق، س ۳۲: ۱). اندیشمندان ایرانی در ادامه این انتقادات و بویژه در بحث از تحولات اقتصادی آمریکا به تأثیر شگفت‌انگیز صنعت نفت بر اقتصاد این کشور اشاره می‌کردند. برای نمونه چهره‌نما ضمن اشاره به درآمد نفتی ۱۳۵ میلیون لیره‌ای آمریکا در سال ۱۳۲۴ ق به ابراز تأسف از معادن بلااستفاده ایران می‌پردازد و می‌نویسد که «بدبخت ما ملت فلک‌زده که معادن خداداد وطن چندین هزار ساله‌مان در اراضی گیلان، مازندران، خراسان، همدان، قصر شیرین به زبان بی‌زبانی فریادشان بلند است که این مالکان بی‌خرد ما تا کی غفلت تا کی جهالت تا چند فقر و مسکنت تا چند گدایی و ذلت؟» (چهره‌نما، ۱۳۲۴ ق، س ۳، ش ۲۶: ۶). «مملکت معدن خیز ما چندین برابر اغلب کشورهای اروپایی و آمریکایی معدن دارد اما با توجه به پریشانی احوال چاره‌ای جز نوشتن و ساختن و سوختن نداریم» (چهره‌نما، ۱۳۲۴ ق، س ۲، ش ۱۳: ۱۱). اعلام می‌شد که ایران هم مثل آمریکا مملو از منابع ثروت مانند نفت است، تنها باید قدری به خود زحمت داده آنها را استخراج کند (ایران نو، ۱۳۲۸ ق، ش ۱۸۸: ۱)؛ بنابراین زمزمه-

های اعتراضی از انفعال دولت در کشف و بهره‌برداری از نفت در داخل کشور در مطبوعات کشور طنین‌انداز شد.

در ادامه انتقادات، ترقی‌خواهان و مصلحان پیشنهاد الگوبرداری از دانش آمریکایی‌ها برای استخراج معادن را مطرح کردند. چراکه بر این باور بودند ایران از نظر منابع زیرزمینی یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان است و تنها باید مانند آمریکا راه استفاده از آن را بدانند (ایران نو، ۱۳۲۸ ق، ش ۱۸۸: ۱). آنها به این نتیجه رسیده بودند که در کنار تقلیدهای زیادی که از دیگران می‌شد بایستی در استخراج نفت هم از آمریکایی‌ها تقلید کرد. طالبوف اهمیت الگوبرداری از آمریکا در حوزه منابع زیرزمینی را این گونه توصیف می‌کند: «...در این عمل به آمریکایی که در بیست سال آخری هزار کروور به ثروت مملکت خودشان از همین نفت سیاه افزوده‌اند، این تقلید نافع و این طاسی مفید را بکنیم...» (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۲۰). ایرانیان آگاه و صاحب قلم در گزارش‌های متعدد خود برای نشان دادن اهمیت منابع زیرزمینی در رشد اقتصاد بارها میزان درآمد نفتی آمریکا را بازتاب می‌دادند این اقدام حتی در سال‌های آخر حکومت قاجار هم دیده می‌شود برای نمونه روزنامه مرد آزاد میزان محصول نفت آمریکا در ۱۹۲۱ م / ۱۳۳۹ ق را ۴۷۰ میلیون چلیک یعنی تقریباً نصف بیشتر محصول نفت دنیا عنوان کرد (مرد آزاد، ۱۳۴۱ ق، ش ۳۱: ۱). این اطلاعات از یک طرف قدرت و دانش آمریکایی‌ها در این حوزه را نشان می‌داد و از طرف دیگر نشان می‌دهد که در اواخر حکومت قاجاریه لاقول دولتمردان و متجددین قاجاریه شناخت دقیقی از صنعت نفت در آمریکا پیدا کرده بودند و آن کشور را با مملکت خودشان مقایسه می‌کردند به همین دلیل ززمه‌هایی اعتراضی نسبت به عدم توجه به این صنعت مهم در کشور شنیده می‌شد.

منتقدین خواستار برداشتن گام‌هایی عملی برای بهره‌برداری از معادن کشور با تقلید و الگو قرار دادن آمریکا بودند و اعلام می‌کردند که ایران هم مانند آمریکا دارای ظرفیت‌های فراوان طبیعی و معدنی است بنابراین این عامل می‌تواند مانند آمریکا موجب توسعه کشور شود. به نظر می‌رسد دولت ایران هم اهمیت مسئله را دریافته بود و آن‌چنان‌که خواهد آمد در همین راستا گام‌هایی عملی برای بهره‌برداری از معادن خود برداشت.

#### **۴. دیدگاه نخبگان سیاسی در باب ضرورت بهره‌گیری از دانش آمریکا در عرصه صنعت نفت**

با بررسی آرا بسیاری از متفکران در دوره مشروطه می‌توان دریافت که انتقادات نسبت به بی‌کفایتی مقامات دولتی در خصوص بهره‌برداری از منابع معدنی و نفتی احتمالاً بازتابی از اعتراض‌های عمده باشد چراکه تحت تأثیر چنین انتقادهایی مقامات دولتی به تکاپو برای بهره‌گیری از دانش آمریکایی‌ها دست زدند. این دغدغه از زمان ناصرالدین‌شاه وجود داشت آن‌چنان‌که روزنامه «یونینگ استار» در ۳ جولای ۱۸۸۸ م / ۲۳ شوال ۱۳۰۵ ق در این خصوص

در تیتیری با عنوان «پیشنهاد یک جایگاه شغلی از سوی شاه ایران» نوشته بود که «چارلز اشبرنر» از سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایالات متحده واقع در شهر «پیتسبرگ»<sup>(۲)</sup> از طرف شاه ایران پیشنهادی مبنی بر سازمان‌دهی و سرپرستی گروه مهندسی دولت ایران دریافت نموده است؛ اما هیچ چیز جز سنگ فیروزه در معادن ایران استخراج نشده و شاه ایران چشم امید به یافتن لایه‌های ارزشمندی چون نفت خام دارد (ساعتچیان، ۱۳۹۷: ۳۴). در آن دوره به کمک مهندسان آمریکایی عملیاتی صورت نگرفت اما بعد از مشروطه مقامات دولتی نسبت به بهره‌برداری و استخراج معادن به کمک این کشور تلاش‌های جدی‌تری انجام دادند.

یکی از مهم‌ترین مسائل این زمان آن بود که دولت ایران نسبت به سیاست اعطای امتیاز پادشاهان قبل از مشروطه به بیگانگان به شدت معترض بود. دولت ایران، اصل عدم امتیاز به بیگانگان را در دستور کار خود قرار داده بود و حاضر نبود در قبال همکاری آمریکایی‌ها یا هر کشوری دیگر امتیازی واگذار نماید؛ بنابراین صراحتاً اعلام می‌کرد: «دولت مشروطه ایران در فکر دادن امتیازات به احدی نیست بلکه می‌خواهد خود به دست خود مشغول استخراج و توسعه صنعت شود و ایران مال ایرانیان است» (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱: ۶۰۷)؛ اما اعتراض‌های متعدد مصلحان موجب شد تا دولتمردان قاجاریه تحت تأثیر این فضای فکری به استقبال از دانش و پیشرفت‌های نوین آمریکایی‌ها در این عرصه بروند و گام‌های عملی برای بهره‌برداری از دانش متخصصان آمریکا بردارند.

نماینده سیاسی ایران در واشنگتن در گفت‌وگو با «رکس رابرتسن» مدیر اداره کارهای شرق نزدیک گفته بود که بازار ایران نیازمند ادوات مهندسی، ماشین‌ها برای احتراق داخلی، آهن‌آلات و فولاد، ماشین‌هایی برای حمل و نقل چاه نفت، تلمبه، ماشین برای استخراج سنگ معدن و ... است (استادوخ، ۱۳۰۱ ش، ک ۲۳، پ ۱: ۱۲۶-۱۲۳). روشن نیست مستر رابرتسن و دیگر ادارات تجاری آمریکا پس از دریافت این پاسخ به چه نحوی اقدام کردند اما این گزارش نشان از تکاپو ایرانیان برای ورود دانش نوین آمریکایی‌ها به داخل ایران بویژه در حوزه مهندسی و نفتی را دارد. اگرچه نویسندگان و روشنفکران با انتقادهای و پیشنهادهای خود مقامات دولتی را به تلاش برای الگوبرداری از آمریکا در عرصه صنعت نفت واداشتند اما این دیپلمات‌های ایرانی در واشنگتن بودند که گام‌های عملی در این راه برداشتند.

#### ۴-۱. راهبرد علیقلی‌خان نبیل‌الدوله در جلب همکاری شرکت‌های نفتی آمریکا با ایران

میرزا تقی‌خان امیرکبیر از نخستین سیاست‌مدارانی بود که اهمیت دیپلماسی موازنه در راهبرد سیاست خارجی را دریافت و راه‌رهایی ایران از چنگال استعماری روس و انگلیس را نزدیک شدن به یک نیروی سوم دانست. حد هوشیاری او را از اینجا می‌توان دریافت که به کشمکش سیاسی انگلستان و آمریکا در آن زمان پی برده بود و برای مقابله با گسترش و نفوذ انگلیس در خلیج فارس به جلب همکاری دولت آمریکا برآمد و با آن دولت پیمان دوستی و بازرگانی و کشتیرانی



بست (آدمیت، ۱۳۴۸: ۱۸۹). در دوره ناصری توجه به نیروی سوم ادامه داشت اما چنین گرایش‌هایی نیز با واکنش‌های تند روسیه و انگلستان مواجه شد زیرا این دو کشور انحصارطلب حضور قدرت‌های جدید را در صحنه اقتصادی ایران تحمل نمی‌کردند. با این وجود بسیاری از سیاستمداران ایرانی تا پایان دوره قاجاریه در تکاپو برای جذب آمریکا به عنوان نیروی سوم در بسیاری از عرصه‌ها بودند. یکی از این افراد که برای مساعدت و یاری گرفتن از آمریکایی‌ها در امر استخراج معادن و صنعت نفت تلاش زیادی به کار برد، علیقلی‌خان نبیل‌الدوله بود.

علیقلی‌خان نبیل‌الدوله اهمیت نفت و بهره‌برداری از آن را به خوبی دریافته بود. در این رابطه و در گزارشی در ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق به مقامات وزارت خارجه، خاطرنشان ساخت استخراج نفت همچون سایر منابع ثروت معدنی ایران وابسته و نیازمند ساخت راه‌آهن نیست و با استخراج نفت می‌توان ثروت گزافی در حال و آینده به ایران رساند. توجه به صنعت نفت از نگاه علیقلی‌خان تا اندازه‌ای مهم بود که به مقامات دولت پیشنهاد می‌داد برای رسیدن به این هدف، دولت ایران اگر لازم باشد حتی باید پول قرض کند و به استخراج معادن به کمک آمریکا بپردازد. در این مسیر یکی از اقدامات نماینده سیاسی ایران در آمریکا جهت ورود دانش متخصصان آمریکایی به صنعت نفت ایران گفت‌وگو و متقاعد کردن کمپانی‌ها و افراد شاخص در این حوزه بود برای نمونه وی فردی به نام «مستر گرایت» که قادر به استخراج نفت بود را راضی کرد به استخراج نفت در ایران بپردازد (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱: ۵۶۹-۵۶۴). علیقلی‌خان در ادامه تلاش برای جلب مساعدت اشخاص و شرکت‌های نفتی در گزارشی به تاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ ق از ملاقات خود با روسای شرکت استاندارد اوپل و گفت‌وگو در خصوص امتیاز استخراج نفت در ایران و اعلام آمادگی آنها برای همکاری خبر می‌دهد (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱: ۱۹۷). آنان اعلام کرده بودند به محض اطلاع از قوانین مربوط به معادن ایران آماده خواهند شد که استخراج نفت در ایران را آغاز کنند. علیقلی‌خان یادآور شده بود چنانچه موفق به متقاعد کردن این کمپانی به فعالیت در ایران شود «میلیون‌ها پول» داخل ایران خواهد شد و در مدت کمی تمام امور ایران اصلاح می‌شود و علاوه بر احداث راه آهن، پایه استقلال مملکت نیز بر اساسی محکم گذاشته خواهد شد (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱: ۵۱)؛ اما امیدواری‌های علیقلی‌خان چندان نپایید و آن‌گونه که پیش‌بینی می‌شد تجار آمریکایی اعلام کردند به واسطه فعالیت داری نمی‌توانند در استخراج نفت کمکی به ایران انجام دهند (استادوخ، ۱۳۲۹ ق، ک ۲۰، پ ۱: ۸۱). برخلاف گفته تجار آمریکایی به نظر می‌رسد کارشکنی‌های روس و انگلیس، دلیل عدم موفقیت جذب سرمایه‌گذاران آمریکایی برای همکاری‌های نفتی با ایران بوده است برای اثبات این مدعا ضرورت دارد به نامه علیقلی‌خان به وزارت خارجه اشاره کرد وی می‌نویسد:

«از طرف چندین سرمایه‌دار مهم آمریکایی چند قرارداد برای تحصیل استخراج تمام معادن ایران و هم منابع نفت که در نقاط مختلفه مملکتی است به نظر اولیای ایران رساندم حاضر شدم که هر قدر و هر

مبلغ وجه برای ایران و ترقیات منابع ثروت طبیعی ایران لازم باشد از آمریکا تدارک نمایم این بنده با تمام وزرا و اولیای امور در حضور کمیسیون خارجه مجلس دارالشورای ملی حاضر شده و مفصلاً در این خصوص مذاکرات نموده اما چون روس‌ها و انگلیسی‌ها تلاش نمودند اکثر مقاصد و اقدامات برای تحصیل وجه ایران را بی‌اثر نمایند و هم آن شروط مخل بر استقلال ایران مبنی بر دادن مبلغ جزئی مساعده استقراض پیشنهاد ایران نمودند و امور مشوش شد این پیشنهاد به آینده محول شد» (استادوخ، ۱۳۲۹، ک ۲۰، پ ۱، ب ۷۲).

همان‌گونه که مشاهده شد علی‌رغم تلاش‌های علیقلی‌خان برای جلب مساعدت اشخاص و شرکت‌های نفتی آمریکا این امر به دلیل کارشکنی‌های روس و انگلیس به نتیجه مطلوب نمی‌رسید.

تبادل نظر و همفکری ایرانی‌ها با آمریکایی‌ها که در تلاش بودند نفت خود را به کمک آنها استخراج نماید، ادامه یافت. در ۱۳۳۹ ق «مسیو ت. ا. اول» رئیس انجمن نفت آمریکا در نامه‌ای به مشاورالسلطنه، وزیر امور خارجه، اعزام نماینده‌ای از سوی ایران برای شرکت در جلسات سالیانه منعقد این انجمن که در واشنگتن را درخواست کرد (استادوخ، ۱۳۳۹، ق، ک ۵۹، پ ۱۳: ۲). ایران به این درخواست پاسخ مثبت داد و نماینده خود را به این انجمن فرستاد.

#### ۲-۴. نقشه راه حسین علایی برای همکاری راهبردی با مهندسان آمریکایی

کارشکنی‌های روس و انگلیس، علیقلی‌خان نبیل‌الدوله نتوانست پای آمریکا به عنوان نیروی سوم برای استخراج معادن نفت به ایران باز کند اما تصمیم دولت ایران برای یاری گرفتن از کمپانی‌های آمریکایی جهت استخراج نفت در ایران منتفی نشد و بویژه بعد از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ یک‌بار دیگر مورد توجه جدی قرار گرفت و در این راستا تلاش‌هایی جدید صورت گرفت. یکی از این تلاش‌ها و چه بسا مهم‌ترین آنها را باید در اقدامات حسین علایی سفیر وقت ایران در آمریکا مشاهده کرد. یکی از موضوعاتی که علایی<sup>(۳)</sup> را بیش از پیش مصمم به جلب همکاری شرکت‌های نفتی آمریکا با ایران نمود تحقیقات به دست آمده در این کشور در خصوص نیاز آمریکا در آینده نزدیک به نفت ممالک مشرق بود چراکه بنا به گفته کارشناسان از یک طرف نفت آمریکا در آینده کم خواهد شد و از طرف دیگر تجارت آمریکا توسعه یافته و کشتی‌های تجارتی زیادی ساخته شده است که طبیعتاً برای آنها بایستی نفت از خارج وارد نمود. به همین دلیل مقامات آمریکایی در این دوره تحصیل نفت را از خارج معتنم می‌شمردند. در این ارتباط «وان مانینگ» رئیس دارالعلم نفت آمریکا به علایی پیشنهاد می‌دهد که ایران با استاندارد اوایل کمپانی نیوجرسی داخل مذاکره شود (استادوخ، ۱۳۰۰، ش، ک ۲۳، پ ۲: ۲۵۰-۲۴۵). علایی سپس به مذاکره با روسای کمپانی‌های مطرح آمریکا از جمله کمپانی سینکلر در باب معادن نفت شمال ایران پرداخت به دنبال این مذاکرات «مستر تامسون» نماینده آنها عازم ایران شد؛ اما این مذاکره به شکست انجامید چراکه ایران در قبال واگذاری امتیاز نفت انتظار داشت قرضه‌ای دریافت نماید

اما آمریکایی‌ها از دادن چنین امتیازی امتناع کردند چراکه بنا به باور آنها هنوز به وجود نفت کافی در شمال ایران اطمینانی نبود. در این راستا علایی توصیه کرد دولت باید قبل از هر چیز موافقت دولت آمریکا را جلب کند و به صلاح نیست که مستقیماً با کمپانی‌های آمریکایی وارد مذاکره شود چون اگر قصد ایران استقراض باشد این شرکت‌ها نمی‌توانند از عهده تأمین آن برآیند، زیرا استقراض باید به وسیله بانک‌ها صورت گیرد (استادوخ، ۱۳۳۹ ق، ک ۴۷، پ ۴۸: ۲۱-۱۹). به هر حال علایی از ملاقات با سران و متخصصین کمپانی سینکالر از جمله «ویچ کلنل سیمپسون» نتیجه‌ای نگرفت زیرا آنها در خصوص مساعده به ایران سرباز زدند (استادوخ، ۱۳۰۰ ش، ک ۲۳، پ ۲: ۲۵۰-۲۴۵). باید خاطر نشان ساخت که علایی در ادامه سیاست ورود نیروی سوم به ایران به منظور خنثی‌سازی نفوذ سنتی روس و انگلیس در کشور با انتشار اعلامیه‌ای تمایل دولتمردان ایران را برای واگذاری امتیاز نفت در پنج ایالت شمالی به اطلاع مقامات و شرکت‌های نفتی آمریکایی رساند اما همان‌گونه که مشاهده شد در مذاکره با کمپانی سینکالر این ایده بی‌نتیجه ماند.

علایی که از کمپانی سینکالر ناامید شده بود در ادامه تلاش‌های خود برای یاری گرفتن از آمریکایی‌ها متوجه استاندارد اوپل شد و در نکوهش سینکالر و ستایش استاندارد، ابراز تأسف کرد که دولت و مجلس نتوانسته‌اند تفاوت و ماهیت پیشنهادها سینکالر و استاندارد اوپل را تشخیص دهند، چراکه معتقد بود پیشنهادها سینکالر هیچ منفعتی برای ایران ندارد (ساکما، ۳۲۱۶۵/۳۳۰)؛ اما به‌رغم این تلاش‌ها، دولت هنوز نتوانسته بود موفقیتی در بهره‌مندی از مساعدت آمریکایی‌ها به دست بیاورد با این حال امیدواری به کمک گرفتن از آمریکایی‌ها جهت توسعه صنعت نفت کشور همچنان باقی بود.

در سال ۱۳۴۱ ق و در دوره نخست‌وزیری «میرزا احمدخان قوام‌السلطنه» یک‌بار دیگر بحث اعطای امتیاز نفت به کمپانی‌های آمریکایی مطرح شد. پیشنهاد ایران مبنی بر دریافت وام و کمک مالی در ازای اعطای امتیاز نفت شمال به مقامات شرکت استاندارد مطرح گردید و در نتیجه این کمپانی موفق شد امتیاز استخراج و بهره‌برداری از نفت شمال ایران را به مدت پنجاه سال از ۲۰ نوامبر ۱۹۲۱ / ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۰ بگیرد (موحد، ۱۳۴۹: ۵۸). دولت قوام که از کارشکنی‌های دولت‌های شوروی و انگلستان بیم داشت، به فوریت این قرارداد را به تصویب مجلس چهارم رساند. مذاکرات مجلس چهارم، جلسه ۲۹۳-۱۰۱) اما باز در این راه کارشکنی‌هایی صورت گرفت که مانع توسعه مناسبات ایران و آمریکا در عرصه نفت شد.

##### ۵. چالش‌های عوامل خارجی در مسیر همکاری نفتی ایران و آمریکا

سیاستی که کابینه قوام‌السلطنه و اکثریت آن روز مجلس در واگذار کردن امتیاز نفت شمال به سرمایه‌داران آمریکایی در نظر داشتند، بر چند مبنا استوار بود:

۱- منابع ثروت و حیات اقتصادی ایران را از انحصار دو دولت همسایه و مخصوصاً دولت انگلستان نجات داده و طرف سوم را درگیر مسائل اقتصادی ایران کند.

۲- نجات ایران از کشمکش سیاسی روس و انگلیس ممکن نبود مگر نیروی سومی (آمریکا) را که قصد نابودی ایران را نداشت به فعالیت در ایران ترغیب نمایند و برای جلب و اجبار طرفداران سیاست مونروئه چاره‌ای نبود جز آنکه مقدار زیادی از سرمایه آمریکا در ایران مصرف شده و تحت تأثیر نفوذ و اقتدار سرمایه‌داران نیویورک و واشنگتن، سیاست‌مداران آمریکا راضی به دخالت در سیاست شرق وسطی شوند.

۳- نظر به اینکه تجار و سرمایه‌داران داخلی فاقد سرمایه و ثروت لازم برای استخراج معادن بودند لازم بود سرمایه یک کشور بی‌طرف در این کار به مصرف برسد و در چنین شرایطی هیچ گزینه‌ای بهتر و عملی‌تر از سرمایه آمریکا پیدا نمی‌شد (مرد آزاد، ۱۳۴۲ ق، س ۱، ش ۱۰۹: ۱). علاوه بر موارد ذکر شده اعطای امتیاز نفت شمال به آمریکایی‌ها در شرایطی صورت می‌گرفت که آمریکایی‌ها به علت مخالفت با قرارداد وثوق‌الدوله و حمایت از ایران در کنفرانس صلح ورسای محبوبیت زیادی در میان برخی دولتمردان ایران کسب کرده بودند بنابراین مقامات سیاسی و روشنفکران، آمریکا را کشوری خوشنام می‌دیدند که نجات ایران از مداخلات روس و انگلیس جز با یاری گرفتن از آن کشور میسر نبود. به همین دلیل قوام مذاکره با این کشور را بر سایر کشورها ترجیح داد؛ اما این پایان ماجرا نبود و به محض انتشار خبر و تصویب قرارداد با کمپانی آمریکایی استاندارد اوپل جنجال بزرگی بر پا شد که سرنوشت قرارداد را به کلی تغییر داد.

از یک طرف انگلیسی‌ها ورود نیروی سومی مانند آمریکا به ایران را نمی‌توانستند تحمل کنند و مدعی شدند که منابع نفتی شمال ایران تحت نفوذ شرکت نفت ایران و انگلیس قرار دارد و دولت ایران حق ندارد آن را به دیگری بدهد. از طرف دیگر روس‌ها نیز حضور آمریکایی‌ها را در شمال ایران به منزله از دست دادن مناطق نفوذ سنتی خود تعبیر می‌نمودند و با آن مخالفت می‌کردند.

ذکر این نکته ضروری است که این عمل هر چند با موفقیت پیش نرفت اما ایرانیان به این نتیجه رسیدند که باید با همدستی و کمک آمریکا خود را از دست کشورهای روس و انگلیس نجات دهند در این خصوص بهار می‌گوید: «... این عمل با دسایس بزرگ اجانب و فریب خوردن و بلکه حماقت بعضی از رجال کشور و خیانت برخی دچار شد، اما فهماند که ایرانی دریافته است که باید جل و گلیم خود را توسط سرمایه دولت امریکای شمالی از آب بیرون کشد و مصلحت خود را در آن دیده است که با همدستی دولت آتازونی خود را از گرداب فقر که پیاپی او را در گرداب آن هل می‌دهند، نجات دهد» (بهار، ۱۳۷۸/۱: ۱۹۴). البته بنا به گفته «ستاره فرمانفرمایان» جدا از دخالت روس و انگلیس یکی دیگر از دلایلی که این امتیاز به مرحله نهایی نرسید این بود

که شرکت استاندارد اوایل با امید به ورود در شرکت نفت عراق خود را از صحنه مبارزه نفتی در ایران خارج ساخت (فرمانفرماتیان، ۱۳۷۳: ۴۵۶). به هر حال در زمان قوام‌السلطنه مذاکرات بی‌نتیجه ماند تا اینکه با روی کار آمدن رضاخان گفت‌وگو با کمپانی‌های نفتی آمریکا ادامه یافت اما سنگ‌اندازی‌ها چالشی حل‌نشده بود به طوری که این موانع منجر به قتل کنسول‌یار آمریکا شد. در اینجا باید به این سؤال پاسخ داد که مقامات دولتی چگونه توانستند از تنش‌های می‌توانست منجر به قطع مناسبات ایران و آمریکا شود، جلوگیری کنند؟

#### ۶. تلاش نخبگان سیاسی برای ممانعت از قطع مناسبات ایران و آمریکا

قتل رابرت ویتنی ایمبری<sup>۱</sup> در تیرماه ۱۳۰۳ ش یکی از وقایع اواخر دوره قاجاریه و در واقع مهم‌ترین واقعه‌ای بود که یک‌بار دیگر مناسبات ایران و آمریکا را همچون حادثه قتل «بنجامین لاباری»<sup>(۴)</sup> در ۱۳۲۱ ق تیره کرد.

خبر قتل ایمبری موجب بهت و حیرت بسیاری از ایرانیان شد. «معتصم‌السلطنه» که خود شاهد این ماجرا دلخراش بود (معتصم‌السلطنه، ۱۳۴۵: ۱۸۷، ۱۸۶). جالب آنکه بخشی از ایرانیان مقیم کشورهای دیگر از این واقعه بسیار متأثر شدند و خواستار مجازات مسببین این واقعه شدند (موجانی، ۱۳۷۵: ۵۵۲). این حجم از ناراحتی ایرانی‌ها از کشته شدن یک فرد آمریکایی خود گویای محبوبیت این کشور تا پایان دوره قاجاریه است، بویژه اینکه مقامات دولتی تمام تلاش خود را برای حل‌وفصل این موضوع و جلب رضایت آمریکایی‌ها به کار بردند.

به دنبال قتل ایمبری مقامات دولت آمریکا به ایران هشدار دادند که حفظ مناسبات میان دو کشور اساساً بسته به میزان حمایتی است که دول مزبوره نسبت به اتباع و نمایندگان رسمی یکدیگر رعایت می‌کنند بنابراین ماندن نمایندگی سیاسی و کنسولی آمریکا در ایران بسته به رعایت مقررات معاهده ۱۸۵۶ م / ۱۲۷۲ ق بین دو کشور دارد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳: ۵۱۱-۵۰۹). به دنبال این هشدار آمریکا و در ۲۸ تیر ۱۳۰۳ ش / ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۴۲ ق وزارت خارجه ایران در نامه‌ای به «ژوزف س. کورنفلد» وزیر مختار و ایلچی مخصوص آمریکا از واقعه قتل ایمبری اظهار تأسف کرد و وعده جبران آن را داد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۳۴۴). همچنین دولت ایران در خصوص تأمین اتباع آمریکا اطمینان داد که در اجرای آن از هیچ تلاشی کوتاهی نکنند (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷، ۴۱۹، ۱۷۰).

در واقع بعد از قتل ایمبری دولت آمریکا از یک طرف به واسطه توجه افکار عمومی به این واقعه و از طرفی برای حفظ حیثیت و شرافت کشورش قدری بیش از حد لزوم سختی می‌کرد. مهذب‌الدوله به ایران گوشزد می‌کند که اگر این قضیه حل نشود تمام زحماتی که برای روابط

دوستی و جلب سرمایه و کمک اقتصادی آمریکا کشیده شده به هدر رفته و این واقعه حتی در مسائل امتیاز نفت شمال نیز تأثیر منفی می‌گذارد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۱۸۵).

اما باید اذعان کرد که این قتل شروع ماجرای پیچیده‌ای بود که با واکنش‌ها و حرف و حدیث‌های زیادی روبه‌رو شد. جریده «نیویورک هرلد تریبیون» در پاریس قتل ایمبری به واسطه عکس برداشتن را افسانه‌ای بی‌اساس اعلام کرد چراکه بیش از ۱۰ سال است بین انگلیس و آمریکا بر سر نفت ایران کشمکش در جریان است و درست زمانی که قرار بود نفت ایران به کمپانی سینکر داده شود، ایمبری به قتل رسید (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۱۵۶). این روزنامه در ۲۸ سپتامبر ۱۹۲۴ قتل او را توطئه صرافان آمریکایی و انگلیسی اعلام کرد که تصور می‌کردند نفوذ وی منابع نفت ایران را از اختیار شرکت متحده «شل» خارج کرده و به دست یک سندیکای آمریکایی نزدیک به کمپانی سینکلر خواهد داد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۱۶۸، ۱۴۷).

همچنین آمریکایی‌ها بر این باور بودند که مداخله قوای دولتی در آن موقع به اندازه کافی نبوده است اما وزارت خارجه ایران در پاسخ نوشت: «افراد قوای دولتی در این واقع مجروح شده‌اند و این خود نشان می‌دهد که مأمورین در ادای وظیفه خود تلاش کرده‌اند» (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۳۸۰). برخلاف گفته‌ها وزارت خارجه ایران، کالبد شکافی جنازه ایمبری نشان می‌داد او بر اثر جراحت در ناحیه سر با یک شمشیر «سی‌بر» کشته شده است و نکته مهم در این حقیقت بود که سی‌برها تنها توسط مأموران نظمیه حمل می‌شدند (ساعتچیان، ۱۳۹۷: ۲۰۸). در ماجرای قتل ایمبری موضع‌گیری نیروی انتظامی حالت مرموزی داشت (یوسفی‌فر، ۱۳۷۶: ۴۶)؛ و بسیاری از گزارش‌ها احتمال قتل ایمبری توسط مأمورین دولت را مطرح می‌کردند. این قضیه چنان جنجالی به پا کرد که مطبوعات هند نهایت تلاش خود را برای اثبات دست داشتن دولت ایران در قتل ایمبری و لزوم برخورد با دولت ایران را تبلیغ می‌کردند (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۵۶۰). بنابراین بازتاب و حیرت جهانیان از این قضیه بر پیچیده شدن این موضوع افزود و دولت ایران تمام تلاش خود را به کار برد که این مسئله موجب رنجش آمریکا نشود.

سرانجام با پیگیری‌های دولت آمریکا و تلاش دولت ایران برای حفظ روابط دوستانه میان دو کشور خواسته‌های آمریکا مورد قبول واقع شد. دولت آمریکا در ابتدا خواستار پرداخت مخارج اعزام یک کشتی جنگی آمریکایی از آمریکا به یکی از بندرهای ایران برای حمل جنازه ایمبری به آمریکا شد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳: ۵۱۱-۵۰۹).

پرداخت ۶۰ هزار دلار برای همسر ایمبری و اعدام سه تن از قاتلان وی شد. به دنبال این درخواست‌ها ابتدا «مرتضی نظامی» که در واقعه قتل ایمبری محکوم شده بود؛ تیرباران شد (موجانی، ۱۳۷۵: ۵۸۰). سپس دو متهم دیگر را نیز اعدام کردند که این اقدام مورد تحسین جراید

آمریکایی قرار گرفت (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۱۳۰). ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که با وجود اسناد معتبر دال بر مداخله نظامیان رده بالا در حادثه‌ای که به قتل ایمبری منجر شد آمریکا بر مجازات افسران رده بالا اصراری نکرد. همچنین در مراسم تدفین جنازه ایمبری مقامات سفارت ایران در آمریکا در مراسم خاکسپاری وی شرکت کردند و تا موقع که جنازه او دفن شد پرچم سفارت ایران نصفه افراشته شد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۴۷). اهمیت و حساسیت این مسئله تا آنجایی بود که بعد از خاتمه ماجرای قتل ایمبری، صدیق‌السلطنه که در این زمان سفیر ایران در برلن بود برای اطمینان خاطر از رفع کدورت‌ها به سفارت آمریکا رفت و ضمن اظهار تأسف از وقوع این پیشامد بر دوستی و علاقه ایران به آمریکا اشاره کرد (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۵۷۶). بدین ترتیب دولت آمریکا معذرت ایران را پذیرفت و از هزینه حمل جنازه ایمبری هم گذشت (استادوخ، ۱۳۰۳ ش، ک ۹، پ ۳۷: ۴۸۶).

در هر حال باید پذیرفت که یکی از مهم‌ترین پیامدهای قتل ایمبری؛ ممانعت از کمک آمریکا به ایران و بیرون رفتن کارشناسان نفتی و مالی آن کشور از ایران به نفع انگلیس بود (بیگدلی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۳۰-۱۲۷). بدین ترتیب تلاشی دیگر برای ورود نیروی سوم به ایران توسط برخی عوامل داخلی و انگلیس، عقیم ماند.

اگرچه هرگز رسماً اثبات نشد که انگلیسی‌ها پشت قتل ایمبری بوده‌اند اما علاوه بر مطالب فوق، باید گفت با نگاهی به رویکرد انگلیسی‌ها به ایران در آن برهه روشن می‌شود که دولت انگلیس برای حفظ منافع و انحصارگرایی خود در ایران حتی به تهییج و تحریک احساسات و عواطف مذهبی مردم علیه میسیونرهای آمریکایی هم پرداختند. این تلاش‌ها چنان بوده که «محمدحسین بدیعی» کنسول ایران در کربلا آن را مقدمه یک نقشه دانسته بود که علیه مناسبات دوستانه ایران و آمریکا طرح‌ریزی شده است. این نماینده سیاسی تلویحاً دست انگلیس را در پشت قضیه می‌بیند و در نامه‌ای به وزارت خارجه دلایل این حجم از مخالفت‌ها و بدبینی‌ها را بازگو می‌کند و نوشت: «از فرمایشات روحانیون چنین استنباط می‌شود که دست‌های خارجی برای برهم زدن مناسبات دوستانه ایران و آمریکا و رنجاندن مستشاران آمریکایی به شدت وارد عمل شده‌اند و با استفاده از تبلیغات سوء، افکار آقایان علما را مشوش ساخته‌اند.» بدیعی خاطرنشان ساخته بود «اینک که مستشاران آمریکایی در ایران مشغول به کار شده‌اند تبلیغات علیه مدارس آمریکایی به نحو سؤال‌برانگیزی شدت یافته است» (استادوخ، ۱۳۰۲ ش: ک ۳۳، پ ۶۸ ش ۲-۴). از بخش پایانی نامه بدیعی چنین استنباط می‌شود که وی دست انگلیسی‌ها یا همان همسایه جنوبی را پس پرده می‌دیده است (استادوخ، ۱۳۰۲ ش: ک ۳۳، پ ۶۸ ش ۵، ۶). در این گزارش کنسول ایران صراحتاً ادعا می‌کند که موج جدید مخالفت‌ها با میسیون آمریکا با فعالیت

مستشاران آمریکا مرتبط است و هدف نهایی آن رنجاندن مستشاران و مهندسان آمریکایی است، در این راستا می‌توان گفت قتل ایمری هم دور از ذهن نبود.

#### ۷. نتیجه

ایرانیان سال‌ها پیش از بستن قراردادهای نفتی با کمپانی‌های آمریکایی از طریق نوشته‌های مصلحان و متجددین خود با علم و نبوغ آمریکایی‌ها در حوزه صنعت نفت آشنا بودند و به تجزیه و تحلیل تأثیر این صنعت بر اقتصاد این کشور پرداختند. در واقع، شکوفایی صنعت نفت آمریکا و درآمدهای چشمگیر این کشور از استخراج نفت از جمله دلایل توجه روشنفکران ایرانی به این کشور شد. این آگاهی‌ها در حالی بود که ایران یکی از غنی‌ترین کشورها در حوزه منابع زیرزمینی در جهان به شمار می‌رفت اما عملاً به دلیل نبود دانش، ناکارآمدی و بی‌توجهی دولتمردان قاجاریه در مدیریت منابع زیرزمینی این منابع هیچ عایدی برای مملکت به دنبال نداشت. در این راستا منتقدین ضمن اشاره به چرایی شکاف میان ایران و کشور تازه کشف شده آمریکا در حوزه صنعت نفت با نگاهی انتقادی در نوشته‌های خود این موضوع را بررسی کردند. در این دوره آمریکا از نظر ترقی‌خواهان مناسب‌ترین کشوری به شمار می‌رفت که می‌بایست از دانش آنها در عرصه صنعت نفت بهره‌گرفت و الگوبرداری کرد.

بر طبق اسناد به دست آمده علاوه بر دیپلمات‌های ایران در واشنگتن، دیگر نخبگان سیاسی و حتی کنسول ایران در کربلا تمام تلاش خود را به کار بردند که مقامات دولتی را به الگوبرداری و ورود متخصصانی از آمریکا به ایران ترغیب کنند؛ بنابراین آنان به دنبال توصیف و بازتاب ترقیات این کشور خواستار تحول وضعیت صنعت نفت ایران به کمک متخصصان و کمپانی‌های آمریکا شدند. سرانجام زمزمه‌های اعتراضی دگراندیشان منجر به انفعال دولت در کشف و بهره‌برداری از نفت به کمک آمریکایی‌ها و استقبال از دانش و پیشرفت‌های نوین این کشور شد. در واقع مصلحان و دولتمردان در تلاش بودند که منابع ثروت و حیات اقتصادی خود را از انحصار دو دولت روس و انگلیس نجات دهند و آمریکا را درگیر مسائل اقتصادی ایران کنند.

با این حال تا اواخر دوره قاجاریه ایران هنوز هم تحت تأثیر دو همسایه قدرتمند خود بود چراکه علی‌رغم تلاش‌های دیپلمات‌های ایرانی در واشنگتن برای جلب مساعدت اشخاص و شرکت‌های نفتی آمریکا این امر به دلیل کارشکنی‌های روس و انگلیس به نتیجه مطلوب نرسید و این سنگ‌اندازی‌ها تا بدان جا ادامه داشت که منجر به قتل کنسول یار این کشور در ایران شد. بر طبق اسناد به دست آمده بسیاری از مصلحان و نخبگان سیاسی، کارشکنی‌های انگلیس را مقدمه یک نقشه علیه مناسبات دوستانه ایران و آمریکا دانستند چراکه بعد از این ماجرا هر چند مقامات دولتی تمام تلاش خود را برای حل‌وفصل قتل ایمری و جلب رضایت آمریکایی‌ها به کار بردند اما این امر از قطع مناسبات نفتی ایران و آمریکا در آن دوره ممانعت نکرد.



## پی‌نوشت‌ها

۱. در خصوص مقاله حاضر تاکنون پژوهشی انجام نشده است با این حال برخی از مقالات و کتاب‌ها هستند که به جنبه‌های دیگری از این موضوع پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان «بررسی یک رویداد؛ ماجرای قتل مازور ایمری، کنسولبار سفارت آمریکا در ایران (۱۳۰۳)» نوشته شهرام یوسفی‌فر، «مسائل سیاسی اقتصادی نفت» نوشته ایرج ذوقی، «پنج‌جاه سال نفت ایران» نوشته مصطفی فاتح، «تاریخ بیست ساله ایران» حسین مکی، «نفت و قتل کنسول آمریکا در تهران» محمدقلی مجد و «بررسی مناسبات ایران و آمریکا» و «گزیده اسناد ایران و آمریکا (۱۹۲۵-۱۸۵۱ م)» نوشته علی موجانی اشاره کرد. نویسندگان آثار مذکور عمده مباحث خود را صرفاً به بحث ایمری و قراردادهای نفتی تقلیل داده‌اند و به هیچ کدام از سوالات و اهداف نویسنده در مقاله حاضر اشاره نکرده‌اند.
۲. پیتسبرگ: Pittsburgh شهری در ایالت پنسیلوانیا آمریکا است.
۳. تا پایان دوره قاجاریه سفیر ایران در آمریکا با اسم حسین علایی شناخته می‌شد و در اسناد بدست آمده وی با اسم و امضای علایی نام‌ها خود را به ایران می‌فرستادند بنابراین در پژوهش حاضر از اسم حسین علایی استفاده شده است.
۴. لایاری عضو هیئت دینی آمریکا در ایران و سردبیر روزنامه «پرتوهای نور» بود. وی تحت نظر پرکینز در دهات اطراف ارومیه فعالیت می‌کرد اما بسیاری از مردم و روحانیون آن منطقه مخالف تبلیغات آنها بودند، به همین دلیل وی را به قتل رساندند. (استادوخ، ۱۳۲۵ ق: ک ۲۴، پ ۱۲، ش ۱).

## منابع

- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۰۰ ش، کارتن ۲۳، پوشه ۲، شماره ۲۴۵-۲۵۰.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۰۱ ش، کارتن ۲۳، پوشه ۱، شماره ۱۲۳-۱۲۶.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۰۳ ش، کارتن ۹، پوشه ۳، شماره ۵۰۹-۵۱۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۰۳ ش، کارتن ۹، پوشه ۳۷، شماره‌های ۴۷، ۱۳۰، ۱۵۶، ۱۴۷، ۱۶۸، ۱۸۵، ۳۴۴، ۳۸۰، ۱۷۰، ۴۱۹، ۴۸۶، ۵۶۰، ۵۷۶.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۲۵ ق، کارتن ۲۴، پوشه ۱۲، شماره ۱.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۲۹ ق، کارتن ۲۰، پوشه ۱، شماره‌های ۵۱، ۷۲، ۸۱، ۱۹۷، ۳۹۲-۴۰۰، ۵۶۴-۵۶۹، ۶۰۷.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۳۷ ق، کارتن ۱۰، پوشه ۴، شماره ۶.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۳۷ ق، کارتن ۱۰، پوشه ۴، شماره ۲۳، ۲۴.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۳۹ ق، کارتن ۵۹، پوشه ۱۳، شماره ۲.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۰۲ ش، کارتن ۳۳، پوشه ۶۸، شماره ۲-۶.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)، ۱۳۳۹ ق، کارتن ۴۷، پوشه ۴۸، شماره ۱۹-۲۱.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۸)، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۱، تهران: زوار.
- بیگدلی، علی (۱۳۷۷)، ترورهای سیاسی در تاریخ ایران، ج ۱، تهران: سروش.
- جهانی، فرشته (۱۴۰۰)، مواجهه ایرانیان با فناوری‌های نوین در آمریکا و نتایج آن، مجله تاریخ علم، دوره ۱۹، ش ۱۲، صص ۳۲۹-۳۵۳.
- روزنامه ایران نو (۱۳۲۸ ق)، شماره ۱۸۸.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ ق)، سال ۲، شماره ۱۳.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ ق)، سال ۲، شماره ۵.
- روزنامه چهره‌نما (۱۳۲۴ ق)، سال ۳، شماره ۲۶.

- روزنامه حکمت (۱۳۲۶ ق)، شماره ۶۰۴.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۷ ق)، سال ۳۲.
- روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۱ ق)، شماره ۳۱.
- روزنامه مرد آزاد (۱۳۴۲ ق)، شماره ۱۰۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۳۰/۳۲۱۶۵.
- ساعتچیان، علیرضا (۱۳۹۷)، ایرانیان از نگاه آمریکاییان؛ ایران عهد قاجار در روزنامه‌های آمریکا، ترجمه و گردآوری علیرضا ساعتچیان، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۶)، کتاب احمد، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران: شبگیر.
- فرمانفرمایان، منوچهر (۱۳۷۳)، از تهران تا کاراکاس نفت و سیاست در ایران، تهران: تاریخ ایران.
- مجله بهار (۱۳۴۰ ق)، سال ۲، شماره ۹۸.
- معتمد السلطنه، فرخ (۱۳۴۵)، خاطرات سیاسی فرخ، تهران: جاویدان.
- موجانی، علی (۱۳۷۵)، گزیده اسناد روابط ایران و آمریکا، تهران: وزارت امور خارجه.
- موحد، محمدعلی (۱۳۴۹)، نفت ما و مسایل حقوقی آن، تهران: خوارزمی.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۷۶)، قتل ایمری کنسولیار آمریکا از سقاخانه تهران و پیامدهای آن بر صحنه سیاست داخلی و خارجی ایران، پانزده خرداد؛ دوره اول، شماره ۲۸: صص ۲۵-۳۳.
- Adamiyat, Fereydoun (1969), *Amirkabir and Iran*, Tehran: Khwarazmi. [in persian].
- Bahar Newspaper (1340 AH), year 2, number 8,9.
- Bahar, Mohammad Taghi (1999), *A brief history of political parties*, Vol. 1, Tehran: Zavar. [in persian].
- Bigdeli, Ali (1998), *Political assassinations in the history of Iran*, Vol. 1, Tehran: Soroush. [in persian].
- Čehreh-namā newspaper " (1324 AH), year 2, number 5. [In Persian].
- Čehreh-namā newspaper (1324 AH), year 2, number 13. [In Persian].
- Čehreh-namā newspaper (1324 AH), year 3, number 26. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1300, Carton 23, folder 2, number 245-250.[In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1301, Carton 23, folder 1, number 123-126. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1303, Carton 9, folder 3, number 509-511. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1303, Carton 9, folder 37, numbers 47, 130, 156, 147, 168, 185, 344, 380, 170, 419, 486, 560, 576. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1325 AH, Carton 24, Folder 12, Number 1. [In Persian].

- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1329 AH, Carton 20, Folder 1, Numbers 51, 72, 81, 197, 392-400, 564-569, 607. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1337 AH, Carton 10, Folder 4, Number 6. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1337 AH, Carton 10, Folder 4, No. 23, 24. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Astadukh), 1339 AH, Carton 59, Folder 13, Number 2. [In Persian].
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Estadukh), 1302, Carton 33, folder 68, number 6-2
- Department of Documents and History of Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs (Astadukh), 1339 AH, Carton 47, Folder 48, Number 19-21. [In Persian].
- Farmanfarmaian, Manouchehr (1373), from Tehran to Caracas, oil and politics in Iran, Tehran: Tarikh Iran. [in persian]
- Hekmat newspaper (1326 AH), number 604. [In Persian].
- Iran-e Nū Newspaper (1328 AH), No. 188. [In Persian].
- Jahani, Fereshte (1400), Iranians' exposure to new technologies in the United States and their results Based on Press and Unpublished Documents (Case study of telegraph and telephone), History of Science, Volume 19, Vol. 12, pp. 329-353. [in persian].
- Majles newspaper (1327 AH), year 32. [In Persian].
- Mard-e Azad newspaper (1341 AH), number 31. [In Persian].
- Mard-e Azad newspaper (1342 AH), number 109. [In Persian].
- Mo'tasīm ul-Saltāneh, Farruḳ (1345), Farruḳ's Political Memoirs, Tehran: Javidan. [in persian]
- Mojani, Ali (1375), selected documents of Iran-US relations, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [in persian]
- Movahed, Mohammad Ali, (1349), Our oil and its legal issues, Tehran: Kharazmi. [in persian]
- National Library and Documents Organization of Iran (SAKMA), Document No. 32165/230. [In Persian].
- Saatchian, Alireza (2017), Iranians from the eyes of Americans; Ahed Qajar's Iran in American Newspapers, translated and compiled by Alireza Saatchian, Tehran: a look at the translation and publication of Parse book. [In Persian].
- Talibov, Abdur Rahim (1356), Ahmed's book, with an introduction and footnotes by Bagher Momeni, Tehran: Shabgir. [in persian]
- Yousefifar, Shahram (1376), the murder of the American consul Imbri from Tehran's brothel and its consequences on the domestic and foreign

---

politics of Iran, 15 Khordad; First period, number 28: pp. 25-73. [In Persian].

